

The Social Philosophy of Ghadir and Its Contemporary Capacities

Nasrollah Aghajani  / Associate Professor, Department of Social Sciences, Baqir al-Olum University

Received: 2025/11/24 - Accepted: 2026/02/09

nasraqajani@gmail.com

Abstract

The social philosophy of Ghadir offers a rational and philosophical approach to the social dimensions of the event of Ghadir, considering authoritative Qur'anic verses and narrations (aḥādīth) and analyzing the causality of this event in relation to social life. Analyzing the nature and how of Ghadir's contemporary social capacities can reveal its immense social and civilizational potential in solving the problems of the Islamic world and confronting the modern world. Despite its importance, such a perspective has rarely been highlighted. From this viewpoint, Ghadir possesses six symbolic facets: 1. The day of despair for the unbelievers regarding the religion of Muslims; 2. The day of security from unbelievers; 3. The day of exclusive fear of God; 4. The day of the perfection of religion (ikmāl al-dīn); 5. The day of the completion of divine favor (itmām al-ni'mah); 6. The day of the realization of the religion approved by God. With these six symbolic facets, Ghadir can have immense capacities for our contemporary life, including the determination of guidance and salvation for the Islamic ummah and a source of their power and victory, delineating the element that sanctifies society, reproducing the profound walāyah-based relationship between the ummah and the Imam and among the ummah themselves, reproducing Shi'a identity, outlining the historical line of "divine walāyah and enmity," linking pilgrimage (hajj) and walāyah, guiding the ummah to the peak of true unity, determining pure Islamic culture, fostering socialization, and strengthening social capital. The method of this article is an analytical re-reading of the relevant Qur'anic verses and narrations, as well as the views of Islamic thinkers on the subject.

Keywords: Amīr al-Mu'minīn 'Alī (AS), Ghadir, Capacities of the Feast of Ghadir, Social Philosophy, Symbolic Day.

نوع مقاله: پژوهشی

فلسفه اجتماعی غدیر و ظرفیت‌های معاصر آن

nasraajani@gmail.com

نصراله آقاجانی / دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقر العلوم ع

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

چکیده

فلسفه اجتماعی غدیر نگرشی عقلی و فلسفی به ابعاد اجتماعی غدیر با نظر به آیات و روایات معتبر و تحلیل چرایی حادثه غدیر با توجه به پیوند آن با حیات اجتماعی دارد. تحلیل چستی و چگونگی ظرفیت‌های اجتماعی معاصر غدیر می‌تواند توانایی عظیم اجتماعی و تمدنی آن را در حل مسائل جهان اسلام و در مواجهه با جهان مدرن نمایان سازد. چنین نگاهی علی‌رغم اهمیت آن، کمتر برجسته شده است. با این نگاه، غدیر دارای شش وجه نمادین است: ۱. روز یأس کفار از دین مسلمین؛ ۲. روز امنیت از کفار؛ ۳. روز انحصار ترس از خدا؛ ۴. روز اکمال دین؛ ۵. روز اتمام نعمت؛ ۶. روز تحقق دین مرضی خدا. با این وجوه شش‌گانه نمادین، غدیر می‌تواند ظرفیت‌های عظیمی برای حیات معاصر ما داشته باشد؛ ظرفیت‌هایی از قبیل تعیین هدایت و نجات امت اسلامی و منبع قدرت و نصرت آنها، ترسیم عامل قدسیت جامعه، بازتولید رابطه عمیق ولایی امت با امام و امت با یکدیگر، بازتولید هویت شیعه، ترسیم خط تاریخی «ولایت و عداوت خدا»، پیوند حج و ولایت، رساننده امت به اوج وحدت حقیقی، تعیین فرهنگ ناب اسلامی، جامعه‌پذیری و تقویت سرمایه‌های اجتماعی. روش این مقاله، بازخوانی تحلیلی آیات و روایات مربوطه و نیز دیدگاه اندیشمندان اسلامی در این باره است.

کلیدواژه‌ها: امیرالمؤمنین علی ع، غدیر، ظرفیت‌های عید غدیر، فلسفه اجتماعی، روز نمادین.

مقدمه

فلسفه اجتماعی غدیر، یعنی نگرشی عقلی و فلسفی به ابعاد اجتماعی غدیر، تأملی در چرایی اجتماعی پیدایش غدیر و آثار و پیامدهایی که در طول ۱۵ قرن از حیات اسلام تعقیب شده است. فلسفه اجتماعی غدیر، با نظر به آیات و روایات معتبر، تحلیل چرایی حادثه غدیر را از پیوند آن با حیات اجتماعی و بنیان‌های آن دنبال می‌کند. غدیر در متن یک حرکت اجتماعی بزرگ، یعنی اولین و آخرین حج پیامبر ﷺ با جمعیتی انبوه برآمده از فراخوان قبلی پیامبر ﷺ، و در بین کاروان‌های حج‌گزاری که تازه از آن فراغت یافته و در میانه حرارت سوزان آفتاب؛ درحالی که به‌سوی موطن خود در حرکت بوده‌اند، اتفاق افتاد. در مکانی به نام غدیر خم که به‌عنوان مفترق‌الطرق یاد می‌شد، یعنی مسافران مناطق مختلف از اینجا مسیر خود را جدا می‌کردند (مفید، ۱۴۱۳ق الف، ج ۱، ص ۱۷۵). فراخوان این جمعیت انبوه، نمی‌تواند تنها معطوف به آموزش مناسک حج باشد، بلکه بیش از آن، کاشف هدفی بزرگ ناظر به سرنوشت آینده امت اسلامی در همیشه تاریخ است، یعنی موضوع تعیین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی (ع). از این جهت بررسی فلسفه اجتماعی غدیر و ابعاد آن از اهمیت زیادی برخوردار است. از آیات قرآن به‌ویژه آیه ۳ مائده چنین استفاده می‌شود که مهم‌ترین فلسفه غدیر، فلسفه سیاسی و اجتماعی آن است. ابعاد مختلف فلسفه سیاسی و اجتماعی غدیر را می‌توان در اهداف و ظرفیت‌های سیاسی اجتماعی آن دنبال کرد، به‌ویژه چیستی و چگونگی ظرفیت‌های اجتماعی معاصر آن می‌تواند توانایی عظیم اجتماعی و تمدنی غدیر را در حل مسائل جهان اسلام و در مواجهه با جهان کفر و شرک نمایان سازد. روش این مقاله، بازخوانی تحلیلی آیات و روایات مربوطه و نیز دیدگاه اندیشمندان اسلامی در این باره است. درباره غدیر در طول تاریخ تمدن اسلامی آثار بسیار فراوانی نگاشته شده است و در لابالای این آثار به ابعاد سیاسی و اجتماعی آن هم توجه شده است. در این مقاله تلاش می‌شود با بهره‌گیری از مفاهیم اجتماعی و برجسته‌سازی آنها، بر غنای ادبیات موجود افزوده شود؛ هرچند با همین عنوان، مقاله یا کتابی کمتر یافت می‌شود.

۱. غدیر تعیین‌بخش هدایت و نجات امت اسلامی

جامعه و حیات اجتماعی انسان‌ها مملو از عوامل بازدارنده از سعادت و کمال آنهاست و انسان در رسیدن به کمال خود، نه به خود رها شده است و نه بدون مرشد و راهبر الهی می‌تواند این راه را طی کند. انبیا برای همین مقصود آمده‌اند و کتاب انبیا، کتاب هدایت به این غایت قصوی است. نزول قرآن کریم و رسالت و امامت رسول خدا ﷺ برای انجام این مهم بوده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶). همه ادله عقلی و نقلی ضرورت وحی و نبوت و استمرار امامت و ولایت معصوم بر جامعه، بیانگر این حقیقت تاریخی است که جامعه انسانی بدون راهبر الهی و معصوم نمی‌تواند به مقصد کمال و سعادت خود برسد.

مهم‌ترین خطری که امت اسلامی را بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ تهدید می‌کرد، بازگشت به کفر و ضلالت جاهلی بود، لذا پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ برای نجات از این خطر مهم، تمسک به کتاب خدا و عترت و اهل‌بیت ﷺ خویش را سفارش فرمود، یعنی فلسفه اصلی عترت پیامبر ﷺ همان فلسفه نزول کتاب خداست. همان طوری که تمسک به کتاب‌الله طریق نجات از ضلالت و مانع بازگشت به کفر است، تمسک به عترت پیامبر ﷺ هم سبب نجات از گمراهی و بازدارنده از کفر است.

غدير تعين تمسك به عترت در كنار تمسك به قرآن برای حفظ امت اسلامی از گمراهی و ضلالت است؛ امر مهمی که پیامبر بارها بر آن تأکید ورزیدند. در یکی از فرازهای خطبه جامع حضرت رسول ﷺ در حجة‌الوداع و در صحرای عرفات چنین آمده است فرمود: «لا ترجعوا بعدی كفارا مضلين يملك بعضكم رقاب بعض اني قد خلفت فيكم ما ان تمسكنم به لن تضلوا: كتاب الله وعترتي اهل بيتي» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۴). هرچند پیامبر ﷺ از نخستین روزهای بعثت تا آخر عمر مبارک خویش بر وصایت و جانشینی امیرالمؤمنین علی ﷺ تأکید ورزیدند، ولی پیامبر ﷺ هیچ روزی مانند روز غدیر با مخاطبانی فراگیر و جمعیتی کثیر مواجه نشده بود. هرچند در عدد جمعیت غدیر نقل‌های متعددی وجود دارد، ولی در نقل معتبری از امام باقر ﷺ عدد هفتاد هزار نفر آمده است (ر.ک: یآوری سرتختی و امامی، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰). این جمعیت انبوه بهترین موقعیت مناسب برای ابلاغ مهم‌ترین رسالت پیامبر ﷺ به صورتی عینی و تجسم‌یافته بود. برافراشتن دستان امیرالمؤمنین علی ﷺ در مقابل دیدگان این جمعیت انبوه، به انضمام تبریک‌ها و بیعت و عهدی که بستند و اشعاری که سرودند، همگی اموری عینی و بیرونی است که بر ابعاد تجسمی و تعینی پیام غدیر در امر هدایت امت اسلامی می‌افزاید. پیامبر ﷺ می‌توانست تنها با کلام خود امامت و ولایت حضرت امیر ﷺ را در غدیر اعلام نماید، ولی این بار بر فرازی بلند، دستان علی ﷺ را بالا برد تا تعیین امام و ولی امت اسلامی بعد از خود را به‌صورت عینی و تجسمی نشان دهد و آنگاه اعلام فرماید: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهُ وَعَادِ مِنْ عَادَاهُ، وَأُنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»؛ هر که من مولا و فرمانروای اویم علی مولاى اوست، خدایا دوست بدار آن کس که او را دوست دارد، و دشمن دار آن کس که او را دشمن دارد. (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۵۷۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۸).

بزرگداشت و بازگشت به غدیر و تمسک به آن، علاوه بر ظرفیتی که در جهان تشیع برای اجتماع حول محور امیرالمؤمنین ﷺ دارد، در سطح امت اسلامی هم ظرفیت مضاعف دیگری به دنبال دارد. مهم‌ترین ظرفیت معاصر آن در سطح امت اسلامی را باید خروج از ظلمت جهان مادی و مدرنیته دانست. اصل واقعه غدیر و دلالت آن بر بخشی از مضمون متعالی آن مورد اتفاق همه امت اسلامی است. امروزه بدون آنکه زمینه اختلاف و تفرق مذهبی را در جهان اسلام فراهم کنیم، باید غدیر را در مواجهه با دشمنان اسلام و دنیای مادی غرب برجسته

نماییم و اینکه پیامبر ﷺ برای مصونیت امت اسلامی از ضلالت و گمراهی مدرن که بدترین گمراهی معاصر است، دستان امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بلند کرده است، یعنی راه اوست، چراغ اوست و تمرکز باید بر اندیشه نورانی او شکل گیرد. غدیر در کنار نهج‌البلاغه علی علیه السلام و سیره علوی در مواجهه با دنیای استکباری معاصر و اندیشه دین‌ستیزانه مدرنیته، کشتی نجاتی است که می‌تواند امت اسلامی را به ساحل هدایت رهنمون باشد.

۲. «الیوم» روز نمادین و برجسته غدیر

غدیر غیر از اینکه در تاریخ امت اسلامی، روز برجسته و نمادین است و مطابق روایات معصومین علیهم السلام بزرگ‌ترین عید اسلامی است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۸۹)، نحوه طرح آن در قرآن کریم هم به گونه‌ای است که توجه‌ها را به خود جلب می‌کند؛ یعنی اولاً در ذیل آیه‌ای که مربوط به محرماتی است، از قبیل مردار، خون، گوشت خوک، آنچه که با نام غیر خدا کشته شده باشد و...، اما در ادامه آیه و در سیاقی غیرمربوط، با کلمه قابل توجه «الیوم»، مضمون مهمی را آشکار می‌سازد که با جملات قبل و نیز با آخر آیه تناسبی ندارد؛ ثانیاً دوبار کلمه «الیوم» تکرار می‌شود و با اینکه کلمه یوم از جهت ادبی ظرف است و ظاهراً متعلق به فعل «یَئْسَ» می‌باشد، ولی بر آن مقدم شد و این تقدیم برای دلالت نمودن بر تفخیم و تعظیم شأن این روز است؛ زیرا مشتمل بر خیر بسیار بزرگ و پرمفعتی است که همان یأس کفار از دین مؤمنین می‌باشد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۷۷)، و همه اینها سبب برجسته‌سازی بخشی از این آیه می‌شود. به تعبیر علامه طباطبائی آیه از جهت محل حلوش و نیز از جهت دلالتش، امری عجیبی است؛ زیرا صدر آیه عبارت است از: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمُتَرَدِّيَّةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْنُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقٌ» و ذیل آیه عبارت است از جمله: «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۳)، و با ملاحظه این صدر و ذیل، مشاهده خواهیم کرد که هیچ ارتباطی با جمله «الیوم» یَئْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» ندارد، بلکه عباراتی معترضه است که در وسط این آیه قرار گرفته است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۶۷). به نظر می‌رسد این چینش غیر از آنکه جلوی هر نوع سوءاستفاده دستان پلید اهل تحریف را از حذف یا تغییر آیه می‌گیرد، سبب برجستگی آیه و جلب توجهات اهل دقت شده است و اینکه مطلب از چه قرار است. حال به بررسی وجوه مختلف روز نمادین غدیر خواهیم پرداخت.

۲-۱. شش وجه نمادین روز عید غدیر «الیوم»

آیه محل بحث با کلمه «الیوم» به روز غدیر اشاره دارد، و مفسرین شیعه مطابق قرائن داخلی آیه، قرائن تاریخی و نیز بسیاری از روایات گفته‌اند که مقصود روز غدیر است، و این اخبار اگر متواتر نباشد دست‌کم مستفیض

می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۶۷-۲۷۸). چه اینکه بسیاری از علمای اهل سنت هم قائل به همین قول هستند و مرحوم علامه امینی بسیاری از این روایات را از اهل سنت نقل کرده است (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۵۸-۴۴۷). در هر صورت شش وجه معنایی به هم مربوط برای روز نمادین غدیر در این بخش از آیه ۳ سورة مائده برجسته شده است: «الْيَوْمَ يَسِّرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». این شش وجه معنایی عبارت‌اند از: ۱. روز یأس کفار از دین مسلمین؛ ۲. روز امنیت از کفار؛ ۳. روز انحصار ترس از خدا؛ ۴. روز اکمال دین؛ ۵. روز اتمام نعمت؛ ۶. روز تحقق دین مرضی خدا.

۱-۲. پیوند امور شش‌گانه فوق در موضوع واحد

این امور شش‌گانه مورد توجه مفسرین قرار گرفت و به‌صورت مبسوطی در کتب تفسیری بررسی کرده‌اند. با دقت در این بخش از آیات روشن می‌شود که همه این مقولات شش‌گانه به هم مربوط است. علامه طباطبائی در این باره می‌گوید:

این دو جمله «الْيَوْمَ يَسِّرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» و جمله «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» علاوه بر وحدت سیاق، مضمون متقارن و مرتبیطی دارند؛ زیرا بین یأس کفار از دین مسلمین و بین اکمال دین مسلمین ارتباط قریبی وجود دارد؛ به‌طوری‌که از ترکیب آنها مضمون واحد و مرتبیطی شکل می‌گیرد که همه فقراتش را به هم مرتبط و متصل می‌کند و اینکه مقصود از «الْيَوْمَ» که دوبار تکرار شد، یک روز معین است که در آن هم یأس کفار اتفاق افتاد و هم اکمال دین (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۶۸).

این وجوه شش‌گانه معنایی در روز نمادین غدیر، هریک دارای عظمتی از معناست و لذا جمع این معنایی در یک نقطه مرکزی غدیر و با نصب امیرالمؤمنین (علیه السلام) عظمتی به آن می‌بخشد که در یک مقیاس بشری، جز با نبوت با چیزی قابل قیاس نیست.

۲-۱-۲. نصب ولایت، امنیت از کفار و ترس از خدا

اینکه فرمود: «الْيَوْمَ يَسِّرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ»، تعبیر شریفه «فَلَا تَخْشَوْهُمْ» به قرینه «یأس کفار از آسیب رساندن به دین اسلام»، شاید اشاره به این باشد که با نصب ولایت، از کفار برای دین‌تان نهراسید، آنگاه تعبیر شریفه «وَاخْشَوْنِ» نظر به این داشته باشد که هرچند با نصب ولایت از ناحیه دشمن به دین شما آسیبی نخواهد رسید، ولی از ناحیه خود شما ممکن است به دین آسیب برسد، لذا فرمود: «وَاخْشَوْنِ»؛ برای دین‌تان از خدا بترسید؛ یعنی مبدا شما با عمل نکردن به دین، به‌ویژه در موضوع ولایت، به دین آسیب برسانید. لذا برخی از مفسرین گفته‌اند که قرینه وحدت سیاق اقتضا می‌کند که موضوع ترس از خدا و ترس از کفار باید یک چیز باشد که همان زوال دین است؛ یعنی نگران زوال دین به‌دست کفار نباشید، بلکه ممکن است

دین با تبعیت شما از هوای نفس و به‌دست خود شما از بین برود، لذا از خدا بترسید (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۳). غدیر سبب یأس کفار از آسیب رساندن به دین اسلام شد، ولی در صورت کفران نعمت و عدم تمسک به ولایت و امامت، دشمن طمع کرده و مجدد بازمی‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۳۹). تعبیر «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ» تحذیری برای مؤمنین است و آنها را برحذر می‌دارد از اینکه مبدا درباره موضوع اصلی این آیه شریفه، یعنی ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام کوتاهی نمایند و کفر ورزند، بلکه باید از خدا بترسند. مرحوم طباطبائی در این باره می‌گویند: «آیات مربوط به ولایت در قرآن، با این تحذیر و وعیدی که در این آیه آمده ارتباط تامی دارد. خداوند در هیچ جای قرآن مؤمنین را تحذیر از نفس خود نفرمود، مگر در باب ولایت "وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ" (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۷۹).

مطابق آیه شریفه، امنیت از خطر کفار در آسیب‌رسانی به دین، در سایه‌سار امامت غدیریه (فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ) است و این پیام اصلی غدیر می‌باشد. علامه طباطبائی در این باره تبیین قرآنی خوبی ارائه کرده است. او می‌گوید:

مطابق برخی آیات قرآن کریم مهم‌ترین آرزوی کفار در بازگشت مسلمین از اسلام و دست برداشتن از آن بوده است: «وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضْلَوْنَكُمْ» (آل عمران: ۶۹)، «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا» (بقره: ۱۰۹) و یا فرمود: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف: ۹)، لذا مهم‌ترین هم و غم کفار و مشرکین این بود که از طریق ایجاد فتنه بین مؤمنین و سرایت نفاق بین آنها و اشاعه شبهات و خرافات، شجره طیبه دین را فاسد ساخته از ریشه برکنند. آخرین امیدشان در زوال دین این بود که فکر می‌کردند دین مثل حکومت و سلطنت است که لباس نبوت به تن کرده و با موت پیامبر صلی الله علیه و آله دین او هم از بین می‌رود؛ همان طوری که با مرگ سلاطین، اثری از حکومت و سلطنت‌شان باقی نماند، لذا گفتند پیامبر صلی الله علیه و آله ابتر است، ولی قرآن فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (کوثر: ۳)، ولی وقتی که خداوند متعال برای این دین کسی را نصب کرد که جای پیامبر صلی الله علیه و آله بنشیند تا دین را حفظ و تدبیر نماید و راهنمای امت به این دین باشد، در چنین حالتی کفار مشاهده کردند که دین از مرحله قیام به‌وسیله حامل شخصی خارج شد و به مرحله قیام به‌وسیله حامل نوعی ارتقا، و از صفت حدوث به صفت بقا تحول یافت، در نتیجه به کمال خود رسید و نعمت الهی به تمامیت رسید، اینجا بود که تمام یأس کفار ظاهر شد (طباطبائی، ج ۵، ص ۱۷۴-۱۷۶).

این فلسفه سیاسی اجتماعی بزرگ غدیر است. در روز غدیر مسلمانان باید ببینند که نسبت دین‌شان با دشمنان اسلام چیست؟ آیا دشمن از دین‌شان و از تدین و تعهدشان به اسلام مأیوس است؟ اگر چنین نیست باید بدانند که فلسفه اجتماعی غدیر جایگاه خود را در امت اسلامی از دست داده است. امت اسلامی امروزه در معرض خطر دشمنان اسلام می‌باشد و تنها راه دفع این خطر بازگشت به غدیر است. بازگشت به غدیر به معنی بازگشت به امامت نبوی و علوی و امامت امام برحق، عادل و دین‌شناس برای تحقق دین در میان امت اسلامی است. نقطه مرکزی خطر،

از دست دادن این سنگر امن امت اسلامی است که سال‌ها بلکه قرن‌هاست که ملت‌های مسلمان این سنگر امن را از دست داده‌اند. غدیر ظرفیت احیای امت اسلامی و مصونیت‌بخشی به همهٔ کیان اسلامی را در خود دارد. بنابراین آیهٔ شریفه، یعنی از «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» تا آخر این جمله: «وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» اعلام می‌دارد که بعد از حادثهٔ غدیر، دین مسلمین از جهت کفار در امنیت است و هیچ خطری متوجه آن نخواهد شد و هیچ بطلان و فسادى به آن راه نمی‌یابد، مگر از ناحیهٔ خود مسلمین؛ به این معنا که اگر آنها به این نعمت تام الهی کفر بورزند و این دین کامل مرضی را از خود دور نمایند، در این صورت خداوند این نعمت را از آنها سلب کرده و به نعمت تبدیل می‌کند و لباس جوع و خوف بر آنها می‌پوشاند همان‌طور که چنین شد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۷۹).

۲-۲. غدیر روز نمادین امامت

در ادامهٔ آیهٔ شریفه این جمله نورانی آمده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳). در دلالت این بخش از آیهٔ شریفه بر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) مفسرین شیعه مفصل بحث کرده‌اند. سه تعبیر «اکمال دین»، «اتمام نعمت» و «رضایت خدا به دین اسلام» از کلیدی‌ترین مفاهیم این بخش از آیه و کاملاً مرتبط با یکدیگرند. اکمال دین و اتمام نعمت مهم‌ترین فلسفهٔ اجتماعی غدیر است.

تفسیر *المیزان* مطالب مفصل و متقنی را در ذیل این آیه بیان کرده‌اند که اجمال آن چنین است: اکمال و اتمام معنایی متقارب و نزدیکی به هم دارند. تعبیر «کمال الشئ»، یعنی غرض شئ محقق شود، ولی تعبیر «تمام الشئ» یعنی به متناهی‌ش برسد؛ به‌طوری‌که به چیزی خارج از خود نیازمند نباشد. اگر چیزی دارای آثاری باشد، این آثار به دوگونه است: گاه وقتی که همهٔ اجزای شئ فراهم شود، آنگاه این آثار مترتب می‌شود؛ به‌طوری‌که اگر جزئی یا شرطی را فاقد باشد این آثار نخواهد بود، مثل صوم که اگر امساک در تمام روز محقق باشد، صوم صدق می‌کند، لذا در اینجا تعبیر اتمام آمده است: «ثُمَّ أَمَمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» (بقره: ۱۸۷)؛ گاهی هم اثر بر شئ مترتب می‌شود بدون اینکه مشروط به تحقق همهٔ اجزا و شرائط باشد، بلکه به هر میزانی که اجزا محقق بود به همان اندازه هم اثر مترتب می‌شود و اگر جمیع اجزا محقق شود، آنگاه همهٔ اثر مطلوب مترتب خواهد شد، مثل «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ» (بقره: ۱۹۶) یا فرمود: «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» (بقره: ۱۸۵). مقصود از دین در آیهٔ محل بحث، مجموعه معارف و احکام شریعت است و مقصود از نعمت یک امر معنوی است که به‌وسیلهٔ آن دین از نقصان به تمامیت خود می‌رسد و اثر متوقع آن با این نعمت محقق می‌شود. نعمت واقعی هر نوع تصرفی از انسان است که سبب سلوک به‌سوی قرب الهی و کسب رضای الهی باشد، در غیر این صورت به نعمت تبدیل می‌شود. لذا صرف‌نظر از این جهت، اشیا نه نعمت‌اند و نه نعمت و تنها

وقتی نعمت شمرده می‌شوند که مشتمل بر روح عبودیت باشند و در این صورت تحت عنوان «ولایة‌الله» قرار می‌گیرد. «ولایة‌الله»، یعنی تدبیر ربوبی نسبت به شئون عبد. در واقع نعمت حقیقی همان ولایت الهی است. قهراً یک شیء وقتی نعمت است که مشتمل بر این ولایت باشد. با این تحلیل باید گفت که اسلام به‌مثابه مجموعه‌ای از آنچه که خدا نازل کرد، عنوان «دین» را دارد و از جهت اینکه مشتمل بر ولایة‌الله، ولایة‌الرسول و اولیای امر بعد از رسول است، «نعمت» محسوب می‌شود. ولایت الهی به معنای تدبیر الهی دین نسبت به امور عباد، به تمامیت نمی‌رسد، مگر با ولایت رسول خدا ﷺ؛ همچنین ولایت رسول هم به تمامیت نمی‌رسد، مگر به ولایت «اولوالأمر» بعد از رسول، یعنی تدبیر امور دینی امت تنها با اذن الهی است، لذا فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) و «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵). پس پیام آیه ۳ سورة مائده این است که خداوند می‌فرماید امروز که روز یأس کفار از دین‌تان است، من با واجب نمودن ولایت، دین شما را تکمیل کردم و نیز با این حکم (یعنی تدبیر الهی امور دینی امت از مجرای ولایت) نعمت را بر شما تمام نمودم؛ زیرا تا قبل از این، ولایة‌الله و ولایة‌الرسول وجود داشت، ولی بعد از این، رسول خدا ﷺ از میان شما خواهد رفت و باید فردی دیگر جای او بنشیند تا تدبیر الهی دین را ادامه دهد. حال که دین خدا کامل و نعمت ولایت تمام شد، چنین دینی، یعنی اسلام با این خصوصیت ولایت را خدا برای امت اسلامی پسندیده است: «وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». در واقع، این بخش از آیه شریفه ۳ سورة مائده، از مصادیق آیه ۵۵ سورة نور است که وعده الهی در آن منجز و محقق شده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيَسْخَلَنَّ فِي الْأَرْضِ لَيْسَخَلَفُ لَهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيَمَكَّنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۷۹-۱۸۲). با توجه به نزول سورة نور قبل از سورة مائده، و با توجه به جمله «رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» در آیه مورد بحث با محوریت ولایت علی (ع)، چنین نتیجه می‌گیریم که اسلام در صورتی بر روی زمین مستحکم و ریشه‌دار خواهد شد و خدا وعده استقرار و استحکامش را داده که با «ولایت» همراه باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۶۸).

از جمله قرائن تاریخی مربوط به دلالت آیه شریفه بر ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی (ع)، قصه جابر بن نصر است که به‌صورت اعتراضی به پیامبر ﷺ گفت: ای محمد ما را به شهادت بر توحید و رسالت خودت، و به نماز، روزه، حج و زکات دستور دادی و ما قبول کردیم و به آن راضی نشدی، بلکه دست پسر عمویت را هم بالا بردی و او را بر ما برتری دادی، آیا این دستور از توسل یا از خدا؟ پیامبر ﷺ فرمود: قسم به خدایی که غیر او خدایی نیست، این دستور از خداست. جابر بن نصر درحالی که پشت کرد و به‌سوی اثاثیه خود می‌رفت، گفت: خدایا اگر

آنچه را که محمد ﷺ درباره علی ﷺ می‌گوید از طرف توسست و به امر توسست، سنگی از آسمان بر من فرود آید و مرا عذاب کند. هنوز سخنانش به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی بر او فرود آمد و او را به هلاکت رساند، و خدا در حق او فرمود: «سأل سائلٌ بعذابٍ واقع...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷، ص ۱۶۲).

اثبات غدیر، اثبات امامت ائمه ﷺ است و انکار غدیر، انکار کل امامت آنهاست، لذا برجستگی غدیر به‌عنوان بزرگ‌ترین عید اسلامی و آداب و سنن این روز که در روایات آمده است، جملگی معطوف به همین حقیقت است تا سرچشمه ولایت ائمه گم نشود، بلکه با اصرار بر آداب و مستحبات این روز و بیان فضائل آن، هر سال این عهد زنده می‌شود تا اصل امامت اهل بیت ﷺ و خاستگاه آن در میان امت اسلامی و به‌ویژه جامعه شیعی برای همیشه تاریخ ماندگار باشد.

۳-۲. ابعاد از مفاد آیه ولایت

بنابراین غدیر تجلی این حقیقت است که بدون امامت امام‌حی در میان امت اسلامی، دین و شریعت جامه عمل نمی‌پوشد و سیاست اسلامی در خارج محقق نخواهد شد و این مساوی با عدم انجام رسالت پیامبر ﷺ است، لذا فرمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده: ۶۷).

مفاد این آیه شریفه چند مطلب را نشان می‌دهد:

۱. امامت امت اسلامی تنها از ناحیه خداوند متعال تعیین می‌شود: «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ». مطابق روایات، مضمون ابلاغ یا مفاد «مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»، چیزی جز ولایت علی ﷺ نیست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۴۴)؛
۲. ابلاغ فرد تعیین‌شده برای امامت امت اسلامی، حتماً از سوی پیامبر ﷺ انجام می‌شود نه فرد یا گروه دیگر، لذا خداوند به پیامبرش فرمود: «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»؛
۳. ابلاغ این پیام، امر عادی و معمولی همانند ابلاغ سایر احکام شریعت نبود، بلکه آن‌قدر اهمیت داشت که اگر پیامبر ﷺ آن را نمی‌رساند، اصل رسالت را انجام نداده بود: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»، لذا در روایت آمده: «وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ مَا نُوْدِيَ بِالْوَلَايَةِ يَوْمَ الْغَدِيرِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱)؛
۴. ابلاغ این پیام زمینه‌هایی از خطر را برای پیامبر ﷺ ایجاد می‌کرد، لذا حضرت نگران بود، ولی خدا وعده حفظ آن حضرت از این خطرات را داد: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ». مطابق بعض روایات این خوف پیامبر ﷺ، خوف از ارتداد امت بود: «فَلَمَّا آتَاهُ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ ضَاقَ بِذَلِكَ صَدْرُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَتَخَوَّفَ أَنْ يَرْتَدُّوا عَنْ دِينِهِمْ وَأَنْ يُكَذِّبُوهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۹)؛

۵. نکته آخر اینکه ذیل آیه شریفه، یعنی جمله «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»، اشعار به این دارد که

مضمون این آیه به قدری مهم است که مردم را به دو دسته مؤمنین و کافرین تقسیم می‌کند و لذا فرمود کافرین بهره‌ای از هدایت الهی نخواهند داشت.

۳. غدیر منبع قدرت و نصرت امت اسلامی

یکی از ابعاد اجتماعی غدیر، خاستگاه آن برای به دست آوردن مجد و عظمت، قدرت و نصرت امت اسلامی است؛ امری که جوامع اسلامی آن را از دست داده‌اند و به‌ویژه در دوره معاصر تحت قیمومیت قدرت‌های استعماری غرب قرار گرفته‌اند. این جنبه از غدیر را در دعای حضرت رسول ﷺ بعد از معرفی و نصب امیرالمؤمنین علی می‌توان پیدا کرد. «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ». امیرالمؤمنین علی محور نصرت و خذلان الهی است، هرکس او را یاری کند مورد نصرت الهی است و هرکس با او دشمنی ورزد، مورد خذلان الهی است. این دعا در دو سطح فردی و اجتماعی و حتی تمدنی و تاریخی رخ نشان می‌دهد. ملت منصور ملتی است که با محوریت پیام غدیر، ناصر این پیام باشد و ملت مخذول ملتی است که دشمن آن باشد. امروزه دنیای اسلام باید خود را از ذیل اسارت و بردگی حکام وابسته به قدرت‌های شیطانی برهاند؛ قدرت‌هایی که استقلال، عزت، هویت و اصالت امت بزرگ اسلامی را ذیل فرهنگ و سیاست منحط خود به نابودی کشانده‌اند و از اسلام چیزی جز مناره مسجد و نماز و روزه باقی نگذاشته‌اند. خاستگاه این ذلت تاریخی و تمدنی، مفقود شدن غدیر و مشمول شدن به نفرین حضرت رسول ﷺ بوده است و راه خروج از آن، بازگشت به پیام غدیر و تمسک به ذیل دولت غدیر است.

۴. امامت غدیری عامل قدسیت جامعه

جامعه نبوی با وجود نبی ﷺ به قداست و نزاهت می‌رسد و در روز غدیر استمرار این قدسیت جامعه تحت ولایت امیرالمؤمنین علی رقم خورد. تعیین و نصب حضرت امیر با امر الهی و توسط پیامبر ﷺ، تجلی پیامد حقیقت ولایت به ساحت اجتماعی بود و اگر این نصب هم انجام نمی‌شد، از آن حقیقت متعالی ولایت، ذره‌ای کاسته نمی‌شد. ولایت حقیقی که مربوط به مقام وجودی حضرت امیر ﷺ در بارگاه ربوبی است، با نصب پیامبر ﷺ امتداد اجتماعی پیدا کرد و فلسفه این امتداد را باید در قدسی شدن جامعه جست‌وجو نمود، لذا آنها «قَادَةُ الْأُمَمِ» و «سَاسَةُ الْعِبَادِ» و «أَرْكَانُ الْإِبْلَادِ» هستند. وقتی جامعه با کسی پیوند بخورد که: «مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطُ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنُ الرَّحْمَةِ، وَخَزَانُ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْجِلْمِ، وَأَصُولُ الْكَرَمِ» (مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه کبیره، ص ۹۰۱) باشد و امر جامعه به او سپرده شود. بدیهی است که جامعه مالا مال از قداست، معرفت، رحمت و کرامت‌های اخلاقی می‌شود و این یعنی قدسی شدن جامعه در ذیل غدیر و امامت. امروز هم تنها راه خروج از بن‌بست‌های ظلمانی زیست سکولار، بازگشت حیات جمعی به حقیقت غدیر است. فرازهای مختلف زیارت جامعه کبیره به این حقیقت اشاره دارد: «مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ»، «ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنْ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ».

۵. غدیر بازتولید رابطه عمیق ولایی امت با امام و امت با یکدیگر

واقعۀ غدیر بُعد اجتماعی مهم دیگری را هم بازنمایی می‌کند و آن رابطه عمیق وجودی بین امام و امت و یا ولی و مولی علیهم است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این لحظات مهم و مورد توجه این جمعیت عظیم، نخست نوع رابطه خود با امت را ترسیم کرد و از آنها اقرار گرفت: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَىٰ» (مفید، ۱۴۱۳ الف، ج ۱، ص ۱۷۶)؛ آیا من از جان شما به شما سزاوارتر و شایسته‌تر نیستم؟ گفتند آری. این تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله در بیان نسبت خود با امت اسلامی، بهترین تعبیری است که می‌تواند عمق رابطه امام با امت را نشان دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله مولای امت اسلامی است و مولی تقدم بر جان مسلمین دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله همین رابطه را برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نسبتش با امت اسلامی ترسیم فرمود: «هرکس ولایت پیامبر بر خود و امت اسلامی را پذیرفت، باید ولایت علی علیه السلام را بپذیرد». ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام استمرار ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و همان مفاد را دارد. جوامع اسلامی هر قدر به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نزدیک شوند، به ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسند. نوع رابطه امام و امت در جامعۀ ولایی از این سنخ است و این در ادبیات معاصر علوم اجتماعی و سیاسی غرب قابل فهم نیست. امروزه در فضای ادبیات سیاسی اجتماعی جهان اسلام، ولایت باید در چنین چهارچوبی بازخوانی شود تا در راستای پیام غدیر قرار گیرد. این رویکرد، وحدت اجتماعی حول امام را به اوج خود می‌رساند و حاصل این وحدت، اعتلا و ارتقای شخصیت امت و عزت نفس آنها در ذیل شخصیت الهی امام است و قهرأ دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی فراوانی به دنبال دارد. به علاوه برخی از سنن اسلامی در روز عید غدیر تجلی‌بخش همین وحدت اجتماعی حول ولایت و تعمیق این رابطه ولایی و اخوت ایمانی در بین مؤمنین با یکدیگر است. از جمله آنها این است که مؤمنین صلۀ ارحام انجام دهند، به دیدار یکدیگر روند، مصافحه کنند، به یکدیگر هدیه دهند، در وقت ملاقات این ذکر را بخوانند: «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیرالمؤمنین والائمة سلام الله علیهم» (مفاتیح الجنان، اعمال عید روز غدیر، ص ۴۶۴). این پیوندجویی اجتماعی در ذیل ولایت غدیری، شرط لازم برای تعاملات اجتماعی معطوف به رستگاری است.

۶. غدیر ترسیم خط تاریخی ممتد با محوریت علی علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله با بالا بردن دست حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و تعیین او در مقابل دیدگان جمعیت انبوه مسلمین به منصب ولایت، با یک جمله دعایی، یک خط تاریخی ممتدی را با محوریت علی علیه السلام برای ابدیت ترسیم نمودند و آن درخواست ولایت الهی برای کسانی که ذیل ولایت علی علیه السلام باشند و درخواست عداوت الهی برای افرادی که با علی علیه السلام دشمنی کنند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ». پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار این جمله را تکرار فرمود کرد و آنگاه برای تثبیت آن فرمود: «حاضران به غائبان اطلاع دهند»، یعنی برای

همیشه در تاریخ تثبیت شود: «أَمَرَهُمْ أَنْ يُبْلَغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱). واقعه غدیر تصمیمی برای یک بار و برای یک جمعیت و یک شهر نبود، بلکه خط ولایت و عداوت الهی را به پهنای همه تاریخ و در ذیل ولایت با علی (ع) و عداوت با علی (ع) ترسیم نمود. این دعای پیامبر (ص) که «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ»، کل جامعه و تاریخ امت اسلامی را با محوریت «علی (ع)» به دو گروه تقسیم نمود: گروهی که ولایت امیرالمؤمنین (ع) را پذیرفتند و گروهی که در جبهه عداوت با امیرالمؤمنین علی (ع) قرار گرفتند. اگر خدا ولایت فرد و امتی را داشته باشد، به خودش نزدیک می‌کند و همه صفات الهی را در او می‌نشانند و اگر فرد و امتی به غضب و عداوت الهی گرفتار شود، او را از ساحت الهیه دور کرده، به خودشان می‌سپارد و حیاتشان مورد دستبرد شیطان می‌شود. بنابراین غدیر ترسیم یک خط تاریخی برای ابدیت بشری است. سعادت و شقاوت جامعه امروز ما و امت اسلامی، در نوع نسبتی است که با این خط تاریخی ابدی برقرار می‌کند، یعنی ولایت و برائت. امروزه جامعه اسلامی ما و جوامع شیعی با محوریت ولایت علی (ع) و نیز همه شیفتگان آن حضرت در دنیای اسلام و بلکه همه ارادتمندانش در جهان بشری، می‌توانند علی (ع) را کانون هم‌گرایی خود قرار دهند و در برابر فضیلت‌گریزان و عدالت‌ستیزان جهانی، جبهه واحدی تشکیل دهند که شدت و قربت آنها به یکدیگر به میزان شدت و قربت آنها به ولایت امیرالمؤمنین (ع) وابسته است.

۷. غدیر پیوند حج و ولایت و ارتقا از وحدت کنشی به وحدت حقیقی

غدیر یعنی حرکت مسلمین از اقصی نقاط عالم برای انجام حج و آنگاه رسیدن به چشمه‌سار ولایت. این حقیقتی است که پیوند نزدیک امت اسلامی را با غدیر و ولایت از رهگذر مناسک حج تأمین می‌کند. حج واجب بین‌المللی اسلام است که در آن همه اقوام و قبائل از امت اسلامی در سراسر جهان به مکان واحد برای انجام عملی واحد رهسپار می‌شوند. این تکثرات قومی و جغرافیایی که در ذیل کعبه و مناسک حج به وحدت کنشی و عملی می‌رسد، باید در ذیل امامت و ولایت غدیری، از وحدت کنشی به وحدت حقیقی در روح امت اسلامی نائل شود. همین حقیقت است که در بیانات معصومین (ع) و سفارشات آنها در توصیف حج حقیقی، مورد توجه تام قرار گرفته است که «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۶۲)، و نیز امام باقر (ع) فرموده است: «إِنَّمَا أَمْرُ النَّاسِ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطْلُفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُوا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۳۷۴).

حج به‌مثابه واجب بین‌المللی امت اسلامی، بخش زیادی از تکثرات فرهنگی را ذیل وحدت مناسکی اعمال حج، به مراحل از وحدت ارزشی و هویتی امت اسلامی نزدیک می‌کند، ولی این تمام کار نیست. مادامی که دو عنصر مهم هویتی در ذیل ولایت غدیریه اتفاق نیافتد، حج به هدف خود نرسیده است. این دو عنصر مهم را این جمله امام (ع) بیان فرموده است: «ثُمَّ يَأْتُوا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ». عنصر نخست اظهار ولایت

اهل بیت علیهم‌السلام است که نوعی تجدید بیعت با امام علیه‌السلام محسوب می‌شود؛ عنصر دوم اعلام آمادگی برای نصرت اهل بیت علیهم‌السلام برای تحقق اسلام می‌باشد و این ارتباط وثیقی با آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳) دارد. در غدیر با نصب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیعت مؤمنین با حضرت علی علیه‌السلام انجام شد و این بیعت مستلزم نصرت بود تا معانی شش‌گانه این آیه شریفه جامه تحقق بیوشد. امروز هم به میزانی که حج ظرفیت خود را در فعلیت بخشیدن به دو عنصر ارادت و ولایت نسبت به ساحت اهل بیت علیهم‌السلام، به‌ویژه حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکاملین و آمادگی برای نصرت آنها جهت حل مشکلات دنیای اسلام به کار بگیرد، به همان میزان به وحدت هویتی امت اسلامی ذیل ولی امر محقق می‌شود که این بالاترین نوع از وحدت امت اسلامی است.

۸. غدیر بنیان مهدویت

جایگاه و نسبت غدیر برای وجود مبارک حضرت ولی عصر امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکاملین، همانند نسبت و جایگاه سوره قدر برای آن حضرت است. همان طوری که تنزل ملائکه و روح از سوی خدا به‌سوی اولیای معصوم الهی همه ساله تکرار می‌شود و شمول آن، ناظر به امام معصوم هر عصری است، غدیر هم ناظر به اصل ولایت و امامت معصوم در هر عصری می‌باشد. با انتصاب علی علیه‌السلام و آثار شش‌گانه مترتب بر آن، این انتصاب و آثار برای هر امام معصومی در هر عصری مصداق دارد و مصداق امروز آن وجود مقدس امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکاملین است، لذا در خطبه غدیریّه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ائمه علیهم‌السلام از نسل امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و لقب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکاملین تصریح شده است:

مَعَاشِرَ النَّاسِ آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا
مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْلُوكٍ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي
يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷، ص ۲۱۱)؛

هان مردمان! به خدا و رسول و نور همراهش ایمان آورید پیش از آنکه چهره‌ها را تباه و بازگونه کنیم یا چونان اصحاب روز شنبه [یهودیانی که بر خدا نیرنگ آوردند] رانده شوید. مردمان! نور از سوی خداوند عز و جل در جان من، سپس در جان علی بن ابی‌طالب، آنگاه در نسل او تا قائم مهدی - که حق خدا و ما را می‌ستاند - جای گرفته.

موعودگرایی در بسیاری از ادیان الهی آمده است. در اسلام هم به هر دو قرائت شیعی و سنی، موعودگرایی وجود دارد و از جهت اجتماعی بهترین و فراگیرترین زمانی که می‌توان این ظرفیت غدیر را محقق کرد، ایام حج است که از همه دنیای اسلام عده‌ای حضور می‌یابند. موعودگرایی در مراسم حج یکی از نقاط عطفی که ظرفیت غدیر را در ضمن حج به ظهور می‌رساند؛ مع‌الوصف تحقق زمینه آن در شرائط کنونی به صعوبت ممکن است.

۹. غدیر تعین فرهنگ ناب اسلامی

یکی از ابعاد مهم فلسفه اجتماعی غدیر، نسبت غدیر در بازتولید و تعمیق فرهنگ اصیل اسلامی با همهٔ باورها، ارزش‌ها و هنجارهایش است. مهم‌ترین بخش این تعین، مربوط به حوزهٔ باورهای اسلامی است که در صفحات گذشته به موضوع امامت و ولایت اشاره کردیم. بخش دیگر مربوط به ارزش‌ها و نیز چگونگی سلوک ما در کنش‌گری اجتماعی است. بخش دیگر از این تعین بخشی در حوزهٔ آداب و سنن این روز یا مستحبات رفتاری این روز است که سبب تقویت فرهنگ اسلامی می‌شود. به عنوان نمونه، یکی از مستحبات روز عید غدیر خواندن زیارت امین‌الله است که مضامین بسیار متعالی در ابعاد اعتقادی و عملی دارد. خواندن این مضامین در روز غدیر، همان تعمیق بخشی به همهٔ ابعاد فرهنگ ناب اسلامی است؛ از موضوع امامت و ویژگی‌های برجستهٔ اجتماعی آن، از قبیل امین خدا در زمین، حجت خدا بر عباد، بالاترین رتبهٔ مجاهد در راه خدا، عامل به کتاب خدا و تابع سنن پیامبر: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَأَتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ ﷺ» (مفاتیح الجنان، زیارت امین‌الله، ص ۵۷۵)، تا درخواست گرایش‌ها اخلاقی متعالی برای خود، مانند:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مَطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِمَصْفُوعَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةٍ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعَمَائِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً لِلتَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مُشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ (مفاتیح الجنان، زیارت امین‌الله، ص ۵۷۵).

درخواست این ارزش‌های بسیار متعالی در عید غدیر، این روز را روز تجلی فرهنگ ناب اسلامی قرار می‌دهد، به‌ویژه محبت اولیا، درخواست زاد و توشهٔ تقوی، سلوک بر سنن اولیا و پرهیز از اخلاق اعدا، به راستی ارزش‌های ناب اسلامی را در وجدان جمعی و روح تک‌تک مؤمنین زنده می‌کند. امروز در گوناگونی فرهنگ‌ها و به‌ویژه در تهاجم فرهنگ پست مادی غرب به دنیای اسلام و در کشمکش امیال و گرایش‌ها، غدیر چشمهٔ جوشانی برای حیات نوین اسلامی در جامعه است. این ظرفیت را باید برجسته کرد و حرکت جمعی جامعه را معطوف به این فلسفهٔ غدیر نمود.

۱۰. برترین عید و جشن امت اسلامی

مطابق مضمون برخی از روایات معصومین علیهم‌السلام، غدیر به‌مثابهٔ بزرگ‌ترین عید اسلامی است. از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین نقل شده است:

یوم غدیر خُمُ أَفْضَلِ أَعْيَادِ أُمَّتِي، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى ذَكَرَهُ بِنَصْبِ أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَمًا لِأُمَّتِي يَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِي، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ، وَأَتَمَّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ النِّعْمَةَ، وَرَضَى لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۲۸)؛

روز غدیر خم برترین عیدهای امت من است، و آن روزی است که خدای متعال به من دستور داد که برادرم علی بن ابی طالب را همچون نشانه‌ای برای امتن نصب کنم، تا پس از من به وسیله او هدایت شوند، و آن روزی است که خداوند دین را در آن کامل نمود و بر امتن نعمت را تمام کرد و اسلام را به عنوان دین برای آنان پسندید.

عید غدیر را باید جشنی مربوط به امت اسلامی و در گستره کل امت دید. این جشن اسلامی با همه اعمال عبادی و سرور و شادی، حس محبت و یکدلی را در امت اسلامی ایجاد می‌کند و همان طوری که گفته شد این ظرفیت بزرگی برای وحدت امت اسلامی است. غدیر نماد جشن و شادمانی معقول و آرمانی امت اسلامی است و این شادمانی در چهارچوب اعمال این روز تجلی می‌یابد؛ یعنی صیام، صلوات، سرور، اطعام‌دهی، صلۀ ارحام، پیوند با برادران دینی. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هم در عید غدیر که مقارن با روز جمعه بود، در خطبه خود بعد از بیان جایگاه عید غدیر چنین فرمود:

خداوند شما را مشمول رحمت خود فرماید. هنگام بازگشت از این مجلس بر اهل بیت و عیالات خود توسعه دهید و به برادران خود نیکی کنید و خدا عز و جل را سپاسگزاری نمایید که شما را به این موهبت موفق فرموده و خود را به اتفاق و اجتماع وادارید تا خداوند جذابی‌های شما را جمع فرماید، و به طور متقابل با یکدیگر نیکی کنید تا خدای الفت و مهربانی‌های شما را با یکدیگر پیوسته و ثابت گرداند و نعمت‌های الهی را به یکدیگر هدیه نماید به پاس اینکه ثواب و پاداش اعمال شما را در این روز چند برابر اعیاد دیگر قبل و بعد آن قرار داده، و این فضیلت را اختصاص به مثل امروز داده، و نیکی در این روز مال شما را پر بهره می‌کند و بر عمر شما می‌افزاید، و مهربانی‌های متقابل شما در این روز موجب رحمت و عطفوت خداوند به شما می‌شود و برای برادران و اهل خانه خود از آنچه خداوند به شما تفضل فرموده تا بتوانید مهیا سازید و تا آنجا که استطاعت دارید ببخشید و تا برای شما امکان دارد در این کار بکوشید و با یکدیگر با چهره‌های گشاده و شادمانی روبه‌رو شوید (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۲۹).

از کتب تاریخ استفاده می‌شود که امت اسلامی در شرق و غرب از گذشته دور، در عید بودن آن متفق‌اند و مصریان و مغربیان و عراقیان، به جایگاه آن اعتنا و اهتمام داشته‌اند و روز غدیر نزد آنان به عنوان روزی مشخص برای نماز، دعا، خطبه و مدیحه‌سرایی مشهور بوده است، و نام‌گذاری این روز به عید، مورد اتفاق بوده است (ابن خلکان، بی تا، ج ۱، ص ۶۰ و ج ۲، ص ۲۲۳).

۱۱. عید غدیر و ظرفیت جامعه‌پذیری و بازتولید هویت شیعه

جشن و سرور جمعی روز عید غدیر، به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عید اسلامی، یک شور و نشاط جمعی را در ضمن اعمال این روز به نمایش می‌گذارد که خروجی آن اشاعه، تثبیت، و تعمیق ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

و بازتولید اجتماعی هویت شیعه است. غدیر ظرفیت خوبی برای جامعه‌پذیری فرهنگ امامت، به‌ویژه برای نوجوانان و جوانان دارد. مرحوم علامه امینی صاحب‌الغدیر می‌گوید:

از جمله اموری که به‌منظور ثبات و نشر داستان غدیر و جاودان ماندن خاطره آن و تحقق مفاد آن مورد توجه و اهتمام بوده، عید گرفتن این روز تاریخی است که همه‌ساله در روز و شب آن مجامع و محافلی تشکیل شود و مراسم بندگی خدا و ابراز خشوع به درگاه احدیت اجرا گردد و سیره نیکی و بخشش و بذل و جود بریه و توجه به حال ناتوانان و مستمندان و توسعه به زندگی خانواده‌ها و عائله‌ها و در بر کردن لباس‌های نو و زیبا با آرایش، پیروی و مورد عمل قرار گیرد. اجرای این تشریفات و تظاهرات در میان مردم سبب جلب توجه عموم طبقات به طرف یک وضع نوین و منظره جالب شده و این وضع بی‌خبران را واهی‌دارد به تفحص و پرسش علل و موجبات آن و منجر می‌شود به تجسس از روایت آن و دانایان به بیان روایات متواتره مشتمل بر این امر خطیر پرداخته و گویندگان و سرایندگان به ایراد خطابه و انشای قصاید و منظومات می‌پردازند و بدین وسائل رشته روایت غدیر خم و اسناد آن به یکدیگر متصل و پیوسته گشته و در میان هر قوم و گروه و در هر عصر و زمان این خبر تکرار و این داستان به زبان‌ها جاری و طرق متصله آن در اذهان محفوظ و پایدار می‌گردد (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۰۳).

همچنین غدیر نماد مشارکت جمعی در تجلی مهم‌ترین عامل هویتی شیعه است. در روز عید غدیر مؤمنین که به هم می‌رسند، می‌گویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ (ع)»، و نیز این دعا را می‌خوانند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِعَهْدِهِ إِلَيْنَا وَمِيثَاقِهِ الَّذِي وَاتَّقْنَا بِهِ مِنْ وَلَايَةِ وَلَاةِ أَمْرِهِ وَالْقَوَامِ بِقِسْطِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَا حِدِينَ وَالْمُكْذِبِينَ يَوْمَ الدِّينِ» (مفاتیح‌الجنان، اعمال عید روز غدیر، ص ۴۶۴).

۱۲. غدیر تقویت سرمایه‌های اجتماعی

با دقت در تعاریف مفهومی مختلفی که از سرمایه اجتماعی شده است، می‌توان گفت سرمایه اجتماعی آن، قدرت، تمکن و توانمندی یک ملت و جامعه بر داشته‌های اجتماعی خویش است که او را برای رسیدن به اهداف خود توانمند می‌سازد، لذا مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی جوامع به‌حسب نوع داشته‌های قدرت‌آفرین و نوع اهداف متفاوت است. در یک جامعه اسلامی سرمایه‌های اجتماعی آن، اموری است که او را برای رسیدن به اهداف اجتماعی متعالی اسلام مساعدت می‌کند؛ به‌گونه‌ای که تسهیل‌کننده آن می‌باشد. برخی شاخص‌هایی نظیر مشارکت عمومی در حوزه‌های مختلف، روابط عمیق و گسترده بین افراد، سطح اعتماد بین افراد و... را از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دانسته‌اند (ردادی، ۱۳۸۹، ص ۴۴-۵۶). با نظر به جامعه اسلامی می‌توان گفت که مهم‌ترین سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: باورهای اعتقادی و ارزش‌های اخلاقی، انسجام اجتماعی، دولت اسلامی، الگوهای فرهنگی (معصومین ع) و بزرگان دینی و ملی، مشارکت و تعاون اجتماعی در حوزه‌های مختلف، اعتماد عمومی و اعتماد بین دولت - ملت، گروه‌های مؤثر علمی، فرهنگی، سیاسی اسلامی و... عید غدیر هم خود یک سرمایه اجتماعی فرهنگی و سیاسی برای جامعه ماست و هم سرمایه‌ساز و تأثیرگذار در دیگر

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. اولاً خود یک سرمایه اجتماعی است برای اینکه مردم جامعه ما به این «داشته فرهنگی» افتخارآمیز با چشم یک ارزش الهی، مقدس و مبارک نگاه می‌کنند. این سرمایه فرهنگی، اهمیت جوهری و بنیادین برای جامعه ما دارد. جامعه اسلامی خود را در ذیل این سرمایه بازخوانی می‌کند. در ایام غدیر، همه ساله، مراکز مذهبی از مساجد، حسینیه‌ها و هیئت مذهبی و حتی خیابان‌ها به کانون‌های اصلی برگزاری جشن و حضور میلیونی مردم، ظهور انواع متنوع فعالیت‌های فرهنگی و اهدای شیرینی و هدایا تبدیل می‌شود و افراد و گروه‌های مختلف مردم با هر سن، جنس و موقعیت اجتماعی در این برنامه‌ها مشارکت دارند. این همدلی و نشاط جمعی، و این پویایی و تحرک اجتماعی معنادار در ذیل مفهوم عید غدیر، یک سرمایه فرهنگی ارزشمندی است و خود عامل مهمی در جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ و ارزش‌های غدیری به کودکان و نوجوانان و تثبیت آن در بزرگسالان خواهد بود؛ ثانیاً عید غدیر دیگر سرمایه‌های اجتماعی را هم تقویت می‌کند که به‌عنوان آثار و پیامدهای اجتماعی آن است. افزایش مهر و محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام)، به‌ویژه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که از مهم‌ترین سرمایه اجتماعی جامعه ماست، از طریق عید غدیر تقویت می‌شود؛ همچنین افزایش مهر و محبت و دوستی مؤمنین با یکدیگر از دیگر آثار مهم آن است. به تعبیر آیت‌الله شاه‌آبادی استاد امام خمینی (علیه‌السلام)، توسعه اجتماعات مذهبی برای ارتباط و دوستی متدینین با یکدیگر به‌منزله خیط اخوت است که رابطه عرضی مؤمنین با یکدیگر را فراهم می‌کند (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۵۳-۵۴). افزایش تعامل و همکاری در خیرات و انفاقات و نیز افزایش هم‌گرایی و انسجام اجتماعی، افزایش امید به سعادت اخروی و بهره‌گیری از عنایات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و کاهش غم و اندوه و کاهلی حاصل از زندگی دنیوی، جملگی از سرمایه‌های اجتماعی مهمی هستند که از شعائر و مناسک مذهبی به‌ویژه عید غدیر برمی‌خیزد.

نتیجه‌گیری

غدیر یکی از بزرگ‌ترین نماد امت اسلامی در تعیین‌بخشی به هویت این امت است و در کنار حج که پرچم و نماد جهانی اسلام است، قرار گرفت. ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی غدیر ظرفیت‌های بالای آن در بهره‌گیری از آن برای حل مسائل جهان اسلام و در مواجهه با جهان مدرن مادی‌گرای غرب معاصر را نشان می‌دهد. غدیر در هر زمانه و عصری پیام هدایت و نجات امت اسلامی را به گوش مسلمین می‌رساند و امروز نجات از غول ظلمت‌بار غرب در ذیل غدیر ممکن است. ابعاد شش‌گانه معنایی از روز نمادین غدیر، نشان از گستردگی دلالت آن و ابعاد معنایی آن دارد. امروزه پاسخ به این سؤالات که در چه صورت کفار از دین مسلمین مأیوس می‌شوند و مسلمین در امنیت قرار می‌گیرند و دین مرضی الهی در جهان محقق خواهد شد و راه تحقق آن چیست؟ پاسخ به آنها تنها با مراجعه به پیام‌های غدیر ممکن است که در آیه شریفه ۳ سوره مائده آمده است. با تمسک به غدیر می‌توان به منبع قدرت و نصرت امت اسلامی رسید و فرهنگ ناب اسلامی را در جامعه تعین بخشید، یعنی جامعه قدسی را ذیل ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و اولاد معصومین (علیهم‌السلام) او درست کرد.

منابع

قرآن کریم.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.

ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد (بی‌تا). وفیات الاعیان. به نقل از: علی‌اصغر رضوانی (۱۳۸۶). غدیرشناسی و پاسخ به شبهات. قم: مسجد مقدس جمکران.

امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق). الغدير فی الكتاب و السنه و الأدب. قم: مرکز الغدير للدراسات الإسلامیه.

جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۷). ظهور ولایت در صحنه غدیر (برگرفته از آثار آیت‌الله جوادى آملی). قم: اسراء.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت. ﷺ

ردادی، محسن (۱۳۸۹). منابع قدرت نرم و سرمایه اجتماعی در اسلام. تهران: دانشگاه امام صادق ﷺ.

شاه‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۶). شذرات المعارف. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۶). الأمالی. تهران: کتابچی.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا ﷺ. تهران: جهان.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.

قمی، شیخ‌عباس (۱۳۷۵). مفاتیح‌الجنان. تهران: قدیانی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق الف). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: مؤسسه آل بیت ﷺ.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق ب). الأمالی. قم: کنگره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

یاوری سرتختی، محمدجواد و امامی، مرتضی (۱۳۸۹ و ۱۳۹۰). بررسی و تحلیل روایات جمعیت غدیر خم. تاریخ فرهنگ و

تمدن اسلامی، ۱ و ۲، ۱۴۵-۱۶۸.